

پایان امر

به انگیزه سالروز ملی شدن صنعت نفت

نفت ایرانی، ثروت ایرانی

امیر طبرانی

«فانسا ازبید فیذهب جفاء واما ما یتبع الناس فیالارض،
(قرآن کریم- سوره رعد آیه ۱۷)

باطل همچون کف روی آب از میان رفتی است. اما آنچه سود

مردم در آن است در زمین باقی می‌ماند.

نهیست ملی شدن صنعت نفت ایران که اصال مصادف با شصت وپنجمین سالگرد تصویب قانون آن از سوی مجلس شورای ملی وسال۱۳۳۸است در حقیقت از سال ۱۳۲۲ وازمنگامی آغاز شد که خاک ایران از سوی ارتش‌های آمریکا، بریتانیا وشوروی به اشغال درآمد. کمی بعدساز حضور نیروهای متفقین در ایران، ابتدا درپاییز ۱۳۲۲ نمایندگان کمیته‌ای‌های شسل، سینکلو واستاندارد واکوم وبعده از چندی نمایندگان دولت شوروی در سسال ۱۳۳۲ به فکر آن افتادند تا آنها نیز از خوان گسترده نفت ایران که در آن هنگام نزدیک به چهل سال بود که توسط دولت فقیهه بریتانیا به بغما برده می‌شد بهره‌ای برند.

هنگامی که در پاییز ۱۳۳۳ دولت محمد ساعد در برابر فشارهای دولت شوروی برای کسب امتیاز نفت شمال مجبور به استعفا شد نخستین اقدام دکتر مصدق نماینده تهران در مجلس شورای ملی با ارائه یک طرح دوفوریتی در خصوص ممنوعیت هر گونه مذاکره رسمی و غیررسمی برای اعطای امتیاز نفت به ینگانگان آغاز شد.

سه سال بعد از آن ویه دنبال پی‌نتیجه ماندن تلاش‌های شوروی برای دریافت امتیاز نفت شمال نمایندگان دوره پانزدهم در ۲۹ مهر ۱۳۳۴ قانون دیگری مبنی بر ممنوعیت واگذاری امتیاز استخراج نفت ومشتقات آن ونیز الزام دولت به استیفای حقوق ایران از نفت جنوب را به تصویب رساندند.

در پی این اقدام مذاکرات بی نتیجه‌ای میان ایران و شسرتکت نفت انگلیس آغاز شد.طربین این مذاکرات سیهامضی گلشایان وزیر دارایی ایران ونویل گس نماینده شرکت نفت بود که از شهریور ۱۳۳۷ تا ۲۸ تیر ۱۳۳۸ در جریان بود این مذاکرات در نهایت منجر به تهیه متن قراردادی شد که به قرارداد «گس – گلشایان» مشهور شد.

یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که در آن بام برخ داد سخنانی بود که سید حسن تقی زاده در متمع بهمن ۱۳۳۷ در جلسه علنی مجلس شورای ملی ایراد کرد. تقی زاده در سخنان خود درباره قرارداد۱۳۱۲ میان رضاشاه وشرکت نفت چنین اظهار نظر کرد:
ریگ روز[رضاشاه] معصوم شد امتیاز را فسخ کند و واضح است که هم حکم او همیشه بدون تخلف واستثا در یک ساعت اجرا شود. وهم در این مورد بالخصوص که بسیار ویه اعلی درجه خاطرش متغیر بود احدی را باری چون وتصیحت به او نبود. لکن وقتی که حضرات [نمایندگان شرکت] از توافق با مامورین واسطه مذاکرات مایوس شدند عزم عودت کردند ویه شاه هم گفتند:در این وقت بود که وی ظاهرا از عاقبت کار اندیشاک شد و عزم بر میانه گرفتن شخصا وسعی در کنار آمدن با حضرات کرد.. یعنی کاری که ما چند نفر مسلوب‌الاختیار به آن راضی نبودیم... حاجت به بیان ندارد و [همه] می‌دانند که برای کسی در این مملکت اختیاری نبود وهیچ مقامی در برابر اراده حاکم مطلق آن عهد نه مقدور بود... اگر قصوری بوده در این کار یا اشتباهی تفسیر آلت فعل نبوده بلکه تفسیر قاعل بود..

طرح پیشنهادی یا قرارداد «گس- گلشایان» در روزهای پایانی دوره پانزدهم مجلس شورای ملی به مجلس تقدیم شد. هم دولت ایران وهم نمایندگان شرکت ایدوار بودند با توجه به کوتاه بودن زمان. این قرارداد درمجلس تصویب نشود ولی حسن مکی با کمک مهندس کاظم حبیبی که در بیرون از مجلس با وی همکاری داشتست آنقدر به نطق خود در مخالفت با قرارداد ادامه داد تا آن که عصر مجلس پانزدهم به سر آمد وفرارده به تصویب مجلس نرسید.

دوره مجلس شانزدهم روز بیستم بهمن ۱۳۳۸ افتتاح شد. در آن مجلس به تقاضای علی منصور نخستن وزیر وقت کمیسیون مامور رسیدگی به موضوع نفت شد. کمیسیون نفت مرکب از هجده نماینده بود که دکتر مصدق وچهار تن دیگر از نمایندگان عضو جبهه ملی ایران هم جزو آنها بودند.

در همین حال در شانیر ۱۳۳۹ سپهبد رزم آرا به نخست وزیری منصوب شسند. رزم آرا که به هنگام روی کارآمدن از حمایت آمریکا وششوروی برخوردار بود در کوتاه زمانی پشتیبانی بریتانیا را نیز به خود جلب کرد و تلاش ویزهای را برای کنار گذاشتن مجلس وامضای قراردادی مطابق نظر انگلیسی‌هاآغاز کرد.

تلاش‌های رزم آرا وحامیان خارجی وی با هوشیاری نمایندگان جبهه ملی در مجلس ودر راس آنها دکتر مصدق و پشتیبانی همه جانیه مردم، نیروهای سیاسی وعلمی و رهبری آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی در خارج از مجلس منطبق ماند.

در جلسه ۳۷ مجلس شورای ملی مصدق طی نطقی درباره اهداف رزم آرا گفت:
«از مذاکسرات آقای رزم آرا در مجلس سسنا این طور برمی آید که او را برای اجرای قرارداد گس – گلشایان آورده‌اند. امیدوارم نمایندگان حساسی و وطن پرست به سینه این نامحرم دست رد بزنند ویا دادن ورقه کیود ثابت کنند که ایرانی به تسلیم وطن خود تن در نمی‌دهد. در هر کجا افسران برای دفاع از حقوق مملکت جنگ می‌کنند و کشته می‌شوند ولی در این مملکت سپهبد می‌خواهد دست وکلا را بپنند وتسلیم شرکت نفت کند. ای مرگ بر کسانی که به جای خدمت، خیالت به وطن را پیشه خود قرارمی دهند».

۴ آذر ۱۳۳۹ کمیسیون نفت به اتفاق آرا لایحه نفت که از سوی دولت به مجلس ارائه شده بود را رد کرد.درهمین جلسه پیشنهاد نمایندگان جبهه ملی مبنی بر ملی کردن صنعت نفت نیزمورد قبول کمیسیون قرار گرفت.

رزم آرا در کمیسیون نفت مجلس در مخالفت با ملی کردن نفت چنین گفت:
«شما که یک کارخانه سیمان را نمی‌توانید اداره کنید شما که کارخانه‌های کسشور را درتیجه عدم قدرت فنی به صورت فعلی انداخته‌اید با کدام پرسسل با کدام وسایل می‌خواهید نفت را شخصا استخراج و ملی نمایید؟»

روز ۱۲ اسفند ماه اعلامیه‌ای از سوی فدایان اسلام در تهران توزیع شد که مردم را به شرکت در تجمعی بر مسجد شاه فرامی خواند.این دعوت با حمایت آیت‌الله کاشانی به میتینگ پرشکوهی در حمایت از ملی شدن صنعت نفت تبدیل شد. چهار روز بعد از این میتینگ در روز ۱۶ اسفند رزم آرا به دست خلیل طهماسبی هدف گلوله قرار گرفت.دکتر مصدق روز بعد از آن یاردیکی پیشنهاد خود در خصوص ملی شدن صنعت نفت را در کمیسیون نفت به رای گذاشت که به تصویب رسید.

پیشنهاد کمیسیون نفت در روز ۲۴ اسفند ۱۳۳۹ در مجلس شورای ملی و ۲۹ اسفند توسط مجلس سنا به تصویب رسید که به منزله پایان کار شرکت نفت انگلیس بود.

سال‌ها بعد دکتر مصدق در این باره گفت:
«اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که به وطن شده است، باید از کسی که اول آن پیشنهاد را نمود تشکر کرد وآن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی است که روزی در خانه جناب آقای نریمان پیشنهاد خود را داد و عمده نمایندگان جبهه ملی حاضر در جلسه آن را به اتفاق آرا تصویب نمودند. رحمس‌الله غلبه که در طول مدت همکاری با [انجانب حتی یک ترک اولی هم از آن بزرگوار دیده نشده» بدین‌سان علی رغم همه تلاش‌های انگلیسی‌ها وعوامل داخلی آنها نفت ایران ملی شد.

بعد از تصویب قانون ملی شدن نفت رادیو بی بی سی گفت:
«این پیشنهاد از طرف معمودی از مرجعین وثروتمندان وصمجنین یک عده ملاهای متعصب که در راس آنها سید ابوالقاسم کاشانی قرار گرفته پشتیبانی می‌شود. چند نفر مقلی باف که عده‌ای از جوانان ساده لوح از آنها پیروی می‌کردند فریاد می‌کردند «نفت ایرانی برای ایرانی ولی چیکنش نگفتن چطور ممکن است که ایرانی نفت خود را اداره کنند».

دوسال ونسج ماه بعداز آن تارسیخ دکتر مصدق تاوان مقابله با استثمار بریتانیا را پرداخت. وی درباره دلیل کودتا علیه خود گفت:
«آری تنها گناه من و گناه بسپسایزرگ من این است که صنعت نفت ایران را ملی کردم و بساط استثمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم‌ترین امپراتوری‌های جهان را از این مملکت برچیدام و بنجه در پنجه مخوف‌ترین سازمان‌های استعماری و جاسوسی و بین‌المللی درافکندم و به قیمت ازین رفتن خود و خانواده‌ام و به قیمت جان و عرض و مالم، خداوند مرا توفیق عطا فرمود تا به همت و اراده این مملکت بساط این دستگاه وحشت‌انگیز را درنوردم.